

متن سخنرانی مهندسی آرزوها:

مجری: لطفاً این برگه ها رو تحویل همکارای ما بدین ممنونم در خدمت شما هستیم.

محمد پیام بهرام پور: مرسی مچکرم، خودتون رو تشویق می فرمایید لطفاً، آقای محمدیان گفت شش صد و پنجاه هزار نفر گفتم دمم گرم عجب کاری انجام دادم واقعاً.

ما اینجا نشسته بودیم بعد یه حس خیلی جالبی بود تقریباً ما سخنرانا شبیه کارگرای فصلی لب جوب می شینم که منتظرن، بعد نگاه می کردم که چقدر جالب چقدر زیادند تعداد این دوستان می خوام ببینم چی میشه یه عده، بذارید رک بگم عین کارگرای فصلی عمده دسته دسته ...

شما که رو مبل نشستین شما خودتون رو بازی ندید ما با هم داریم صحبت می کنیم چی میشه که پا میشیم میام اینجا می شینیم این طوری، یا اون طوری می ایستیم و خوب گرمه یا یه سری اتفاقات دیگه هست داریم توجه می کنیم داستان چیه؟ میشه بگید؟

یکی از حضار: عشق، انگیزه

محمد پیام بهرام پور: به من

یکی از حضار: به یادگیری، به موفقیت

محمد پیام بهرام پور: آها نکته خیلی مهم بود ظرفیت سالن پایین بود دقیقاً دلش همینه دوستان اگه ظرفیت سالن پایین بود عشقم از بین می رفت و شما می نشستید روی صندلی ها.

حالا جدا از شوخی، پارت اول قسمت اول برنامه تعداد دوستان خیلی بیشتر بود درسته؟



چی شد که رفتند؟ صندلی‌ها! یه قسمتشون بله برای آقای امامی اومده بودند تشریف بردند ولی یه عده موندن ساعت استراحت رفتن و خوب خیلی از شاگردان من، دوستان من می گفتند که ببخشید خیلی شلوغه ما باید بریم.

چی شد که شما موندین؟ یه کاری رو کردین که بقیه نمی کنند و در آینده یه کارهایی می کنید که بقیه نمی تونن بکنن این کل داستان موفقیت

کارهایی رو می کنیم الان که بقیه دوست ندارند انجام بدن سخته زحمت داره و بعداً یه کارهایی رو می کنید که بقیه نمی تونن، ماشینی رو سوار میشیم که بقیه نمی تونن جایگاه اجتماعی رو داریم که بقیه ندارن لذت هایی می بریم که بقیه به ذهنشون نمی رسه این کل داستان موفقیت

موضوع صحبت موضوعی که خیلی خوب هم انتخاب شد مهندسی رویا بود و من یه زیر عنوانی هم به صحبت خودم اضافه کردم

خداحافظی با فالگیری و کفبینی نوین

این موضوع من هست و می خوایم باهم راجع بهش صحبت کنیم اکثر دوستان با من آشنایی دارند و من میخوام اینجا به شما یک فنجون قهوه بدم و شما رو دعوت بکنم به یک فنجون قهوه

می دونید قهوه چه طعمی داره؟ تلخه ولی چه فایده‌ای داره؟ آرام بخش انرژی زا شاداب کننده هشیاری میاره دقیقاً هشیاری میاره یه چیز تلخه ولی هشیاری میاره

صحبت من اصلاً انگیزشی نیست بریم موفق شیم فلان کار رو بکنیم نه اتفاقاً میخوام بگم یه سری کارها یه سری اتفاقات خیلی بد تو مسیر موفقیت رخ میده و اگه حاضر نیستید بهای اون موفقیت رو بپردازید توی سمینار هام نیاید همین زمان رو می تونستید استراحت کنید یا کارهای دیگه ای انجام بدید.

پس ما می خواهیم با هم یک فنجان قهوه رو صرف کنیم.

من راجع به چی دارم صحبت می کنم راجع به کاسبها و رمال های نوین که خیلی هاشون اندازه این بچه هم سواد ندارن و دارن به شما یه سری چیزها رو می فروشن اون چیه؟ آرزو و رویا، چیزی که به زیبایی آقای شمیسا اشاره کردن.

کی گفته که با فکر کردن و آرزو کردن به جایی ممکنه برسه؟ واقعاً شدنیه فقط با آرزو کردن ولی اکثر کتابا میگه خوب هدف رو بنویسید تمومه و تو ایران نمی دونم چرا ما علاقه داریم اینو به نازل ترین حد ممکن میاریم.

حالا جلوتر میگیریم چرا و اصلاً صحبت امروز راجع به این که فکر کنید، رؤیا کنید به هدفتون برسید نیست راجع به اینکه که یک رویا داشته باشید با مشخصاتی که استاد عرض کردند و بعد حالا به صورت عملی یک برنامه درست برای رسیدن بهش داشته باشیم

ما می خواهیم مهندسی رویا انجام بدیم چند نفر اینجا مهندس داریم؟ دستاشون رو لطفاً بیارن بالا بقیه کارگران فصلی اند؟ چند نفر دکتر داریم؟ چند نفر سایر مشاغل داریم؟ ببخشید بیکارا جزو اون دسته نیستند، خانه دارها هم جزو سایر مشاغل اند

یه بار دیگه چند نفر سایر مشاغل داریم؟ بیکارا مثل مرد دستشون رو بگیرن بالا! مرسی! تشویقشون کنید

یکی شما بیکارید یکی بیل گیتس اینو خوب می دونم...

یکی از حضار: اگه بیکار هم نبود نمی اومد اینجا...

محمد پیام بهرام پور: دوتا جمله گفتند اصلاً من رو نابود کردن دیگه سومیش... مرسی

یکی از حضار: آخه از بیکاری هم پول در میان



محمد پیام بهرام پور: از بیکاری هم یه عده پول در میان...

بله ما هفته پیش دقیقاً آموزش می دادیم چطوری یه عده از بیکاری پول در بیان چند نفر هفته پیش حضور داشتند تو سمینار؟ وایستاده ها بیشترن، چرا؟

خوب ما میخوام مهندسی کنیم مهندسا چیکار می کنند؟ تحلیل میکنن...مثل این که کار خاصی انجام نمیدن! بله یکی از حضار: فرق میکنن با هم دیگه هر مهندسی...

محمد پیام بهرام پور: مهندس داریم تا مهندس بعضی ها مهندسن

چیکار می کنند؟ میخوان یک کاری رو انجام بدن و اسش برنامه ریزی می کنند تا اون اتفاق بیفته! و ما رویامون اون هدفمونه و اسش برنامه ریزی می کنیم تا بهش برسیم مهندسی می کنیم نه بازی بازی یه ساختمون می خواهیم بسازیم باید طرح داشته باشه، مصالحش رو فراهم کنیم، بودجشو یا داریم و اسش اندازه می داریم یا طراحی می کنیم همه این کارها رو انجام می دیم این میشه مهندسی.

توی اهداف هم باید دقیقاً به همین صورت مهندسی کنیم این کشور خوشگل ما ایران! بیا ایران، ایران آها!

یه جای خیلی خاصه، خیلی خاصه! اصلاً هم نمی خوام بگم ما ایرانی ها خاصیم فلانیم خاص از جهت منفی بسیار محدودیم و با واقعیت های دنیا یه فاصله عجیبی داریم و خون آریایی داریم و از این جور حرفا خیلی زیاده تومون، هست ها ولی خیلی داریم بهش اتکا می کنیم الان چی هستیم رو یادمون میره چرا؟ خیلی دلایل داره ولی چرا ما اهل رؤیاپردازی صرف هستیم.

من توی این هفته حدود روزانه پنجاه نفر مشاوره داشتم روزی پنجاه تا پونزده دقیقه، پونزده دقیقه به خاطر یک برنامه ای و امروز حالا نیمه کاره موند برای این سمینار تعداد دوستان کمتر بود.

همه دوستان می گفتند ما یک رؤیایی داریم ولی به ثمر نرسیده همه دوستان می گفتند.

یعنی متخصص رؤیاپردازی هستیم فکر و خیال و چیزای مختلف ولی اجراش خیلی جدی گرفته نمیشه چرا؟
یک: رسانه‌ها، رسانه‌ها همون طور که دوست و استاد عزیزم آقای سعید محمدی فرمودند یه جوری تلقین می کنند که یا موفق شدن مصادف با آدم عوضی بودن درست؟ همیشه تو فیلم‌های ایرانی پولدارها؟

خودتونید! یه جوری گفت دزدی؟ چرا آخه چه بدی کردم، پولدارها قاچاقچی‌اند، دزدن، کلاهبردارن خیلی دیگه خوب باشه از زنش جدا میشه! درست؟

ولی نشاط و شادابی همیشه تو جمع بدبختاست، این بحث رسانه‌ها و یا این که یه مرتبه خیلی اتفاقی میشه پولدار شد چند نفر جان من این‌رو راست بگین روی چراغ مثل چراغ غول جادو بود دست کشیدین یهو مثلاً با انتظار این که شاید یه غولی بیاد بیرون از ده سالگی به بالا چند نفر این کار رو کردین؟ راستشو بگین

دست! یه چراغ جادوی چیزی فکر کردین یه چراغ معمولی بوده شبیه چراغ جادو تو انباری جایی پیدا کردین بعد رفتین روش یه دستی کشیدین یهو شاید یه اتفاقی افتاد یه غولی اومد بیرون چند نفر این کارو کردین؟ کم شدن نمی دونم چطوری تو این مدت...

یکی از حضار: اصلاً ندیدیم...

محمد پیام بهرام پور: ندیدید رو قوری هم این کارو نکردین؟

حالا جالبه این سمینار مثل این که مشکل دارن چون دیدم بیکاران و اینا یه مقدار بالا بودن ولی هر جا می پرسم تعداد خیلی زیادی این کارو کردن

یادتون باشه هیچ وقت سخنران رو ضایع نکنید الکی هم که شده...



و منتظر یه اتفاق خاصیم مثلاً قرعه کشی بانک مثلاً هی حساب می کنیم که یه فامیلی چیزی داشته باشیم بمیره یه ارثی چیزی برسه!

یکی از حضار: قرعه کشی بگین دست خیلی ها میره بالا

محمد پیام بهرام پور: بله! نه این مورد دوم رو من نمی گم چرا خوب بد میشه

یکی از حضار: نه مورد اول

محمد پیام بهرام پور: کدوم مورد اول؟

یکی از حضار: قرعه کشی بانک

محمد پیام بهرام پور: قرعه کشی بانک! نمی پرسم یهو دیدید منو ضایع کردن دوباره

یکی از حضار: نه شما این دفعه بگید

محمد پیام بهرام پور: اگه بود تقصیر شماها، چند نفر دوست داشتند قرعه کشی بانک برنده شن؟

مدیریت خشم کی آموزش میده اینجا، بعدی دیگه چی میشه ما از اون خانواده هاش نیستیم

پس اولی شد "رسانه ها"

دومی "تربیت خانوادگی" پسرم میخوام بهت درس زندگی بدم! ببخشید پدر شما الان کجای زندگی هستید دقیقاً؟ میخوام هر جایی که نرسیدم تو برسی، بعد حسی که القا میشه چیه؟

پدر یا مادر متأسفانه تخصصشون اینه، من زندگیم رو وقف توی... نگید جمله‌هایی رو که شنیدید نگید... همه عمرم رو گذاشتم پای تو که بشی این... با شما نبودم ها... و از این جور حرفا چرا؟ باز تربیت خودشون بنده‌های خدا

همین طوری میریم تا انتها و یه حسی بهمون منتقل میشه که ما باید گویا یک سری سلسله مراتب مشخص از قبل تعیین شده‌ای که همه میرن رو بریم تا موفق شیم و هر کار عجیبی که انجام بدیم...

پسرمون سر گوشش می جنبه‌ها هی دنبال این کار به اون کاره یه دقیقه تمرکز نداره پاشو برو سرکار پاشو درستو بخون و از این حرفا که همه می دونید بعدی چیه؟ "سیستم آموزشی"

همه بهش اساسی امروز فحش دادن من دیگه وارد این حیطة نمی شم و می تونید اونا رو مجدداً برای خودتون تکرار کنید نیاز به گفتن نداره.

ولی جالبه معلمای ما تقریباً کم‌درآمدترین قشر جامعه هستند، چرا نیستند؟

معلمای آموزش و پرورش رو عرض می‌کنم خوب بعد این معلم عزیز که کم‌ترین درآمد رو داره چطوری می‌خواه ذهنیت ثروتمند شدن رو به یه بچه منتقل کنه؟ نمی‌تونه!

انتقادم به معلما نیست‌ها انتقادم به سیستم آموزشی

و مورد بعدی فرهنگ پیشین ماست فرهنگ رستم پسند رستم، رستم نشد تو شکم مامانش هم که بود ماشاالله پهلوان بود درسته؟ گفتند این قدر رستم بزرگ بود که سزارین اونجا انجام شد که بیاد بیرون دیگه یعنی تو خود چیزه به اسمه! چیز چی می‌گفتند

رستمانه یا رستمینه خیلی مهمه

یکی از حضار: دو روایت داریم

محمد پیام بهرام پور: دو روایتی مرسی سومیش شد ها

می بینید از اول قهرمان بود رستم هیچ کاری نکرد، بود ماشالله هیکل مثل من چرا میخندین؟

و اینا آتیش می زن به خیلی چیز و خیلی اتفاق به دیه

چهارتا عامل "رسانه"، "تربیت"، "سیستم آموزشی"، "فرهنگ گذشته" ناخودآگاه جمعی کشورمان! همه اینها باعث میشه که بیشتر یا یک زندگی خیلی روتین و معمولی داشته باشیم رؤیایی نداشته باشیم یا رؤیاهای عجیب غریب و بی منطق و بدون فکر، بدون برنامه و این فوق العاده، فوق العاده بده بیاین فرض کنیم خیلی اوضاعمون خوبه یکی از بهترین فروشگاههای زنجیره ای

ایران رو داریم فروشگاه بزرگ خوب اوضاعمون عالی و الان دقیقاً اومدیم جای حاج آقا فلان، دکتر فلان یا مهندس فلانی شدیم مالک اونها.

این که گفتم کشورمون خاصه و ما محدودیم رو میخوام با این داستان مقایسه کنیم با فروشگاه تارگت بارها داستان رو گفتم به عنوان یکی از عجیب ترین بیزانس ها.

فروشگاه زنجیره ای تارگت خیلی معروف هستند و کاری که انجام میدند میخوان فروشون رو مهندسی کنه، اون مالک فروشگاه، اون سهام دارها میان مهندسی میکنن رویاشون رو، اون ثروتی که میخوان رو چیکار می کنند میان تحلیل میکنن چه کسانی رو اونا میتونن به رویاشون برسون؟

بهترین گزینه بررسی کردن دیدند خانمهای باردار هستند چرا که اگه اولین بار از یه جایی خرید کنند رضایت داشته باشند خریدشون رو ادامه میدن از اونجا و بعد، بعد از متولد شدن این خرید ادامه داره و بعد میزان خریدشون خیلی بالاست و چیزای دیگه، داره مهندسی می کنه رویاشو! بعد از این خوب اینا انتخاب شدن حالا چطور می آدما رو پیدا کنه؟

یه نفر میزازه جلو در قبل از این که... ببخشید عذر میخوام شما باردار هستین هیچی نابود میشه اون مجموعه پس باید از یه روش های خیلی هوشمندانه استفاده کنه کارت های تخفیف میده میگه اگه از این کارت ها استفاده کنید 2 درصد تخفیف که بتونه ریز خریدهای آدما رو داشته باشه ریز خریدها رو داشته باشه و بعد متوجه میشه مثلاً کسی که رورواک می خره احتمالاً...

میخواهم بدونم چند نفر از پدر تا حالا رفتن رورواک بخرن که میگرد بارداره!

لزوماً به این معنی نیستش که هر کی رورواک خرید دیگه بره تو اون لیست نه احتمال اضافه میشه و چیزای خیلی تخصصی تر، صابون بی بو، نمی دونم کرم ضد ترک و فلان و از این جو چیزایی که به هر حال مورد نیاز اون برهه از زندگی هست.

از مجموع این خریدها تونستن با دقت حداقل 95 درصد حدس بزنند کدوم یکی از مشتریانشون جزو خانمهای باردار هستند خوب با توجه به این اومده پیدا کرده کوپنهای تخفیف فرستاده نتیجه فوق العاده ای گرفته.

یه داستان فوق العاده جالب داستان که یک روایت واقعیه فوق العاده جالب هست که میگه یه آقای خیلی عصبانی اومد تو فروشگاه تارگت گفتش که آقا خجالت نمی کشید برای دختر من که دبیرستانیه کوپن تخفیف مثلاً وسایل دوران بارداری رو می فرستید اون مدیر عذرخواهی میکنه و اینا و هفته بعد دوباره زنگ میزنه عذرخواهی کنه پدره میگه ببخشید شما درست فرستادید من خبر نداشتم، دقت اینو نگاه کنید گریه داره، گریه داره دقتشو نگاه کنید تا چه حده چه جوری مهندسی میکنه بعد ما میریم! ما مالک فروشگاه زنجیره ای فلانیم قفسه اولو چی می چینیم هر چی سبک تره چون بردن، از انتهای چیز میارن دیگه بسته ها رو...

نگاه کنید معمولاً روند چیدن تو اکثر فروشگاههای ما اینه سبکا میاد اول به چه دلیل؟ نمی دونم سبک سنگین را دستشون بوده و اینها.

چه موسیقی پخش میشه؟ کاملاً بستگی داره به این که تو فلش مسئول چیز چه آهنگی باشه.

هیچ فلسفه ای وجود نداره رو تک تک اینا دارن کار می کنند و مهندسی می کنند، پس می بینید کشور ما خاصه تو این زمینه ها بدون فکر می خوایم برسیم به رؤیاها.

کاربرد هدف فقط به چیزه که حالا مثلاً خیلی دیگه تخفیف بدیم دو تا چیز یکی این که یک چشم اندازی مشخص کنه بدونیم کجا رو می خواهیم مهندسی کنیم دو به سازه کوچیک یک هدف کوچیک انتخاب نکنیم هدف متناسب انتخاب کنیم متناسب.

اون آدمی که درآمدش ماهی 30 میلیون تومنه اگه سال بعد درآمدش رو بزاره روی 35 میلیون چیکار کرده؟ خودشو گول زده درسته؟ چون هدف کوچیکی رو انتخاب کرده با تورم هم حساب کنیم خیلی بیشتر می رسه درسته؟

ولی اون آدمی که درآمدش یک میلیون درآمدش رو بزاره روی سه میلیون سال آینده مثلاً بدون پلن خاصی فقط بنویسه بدون برنامه خاصی فقط بنویسه به هیچ جا نمی رسه هدفش چون خیلی بزرگه ما باید متناسب با خودمون یواش یواش هدف هامون رو بزرگ کنیم

واز کجا بفهمیم هدفمون خوبه؟ هر موقع ترسیدیم، الان من اینجا استرس دارم مشخصاً خیر چرا؟ کارم آموزش سخنرانیه به بحث ولی چرا اینجا استرس ندارم؟

این قدر اینجا برنامه داشتیم همین سالن برام عادی شده... جاهای بزرگ تر... جان

یکی از حضار: ماها هم آدمای استرس زایی نیستیم

محمد پیام بهرام پور: شما اصلاً... میان اینجا

یکی از حضار: انرژی زا هستیم

محمد پیام بهرام پور: استرسی وجود نداره خوب هفته گذشته ششصد و پنجاه نفر استرس داشتیم یا نه؟ بازم نداشتیم چون خیلی مثلاً سالن بزرگی نبود ولی حالا مثلاً میگن بیا برو استادیوم آزادی 65 هزار نفر اون موقع استرس دارم یا نه؟ احتمالاً دارم چون بزرگه، آره کم ولی دارم بعد تونی رابینز زنگ میزنه میگه محمد پیام بیا به سمینار بزاریم امریکا، نخند آقا، دوستان به آرزوهای هم نخندیم به هم بخندیم.

با شما ببریم با آنتونی رابینز... آها قدشون رو میخوان با تونی رابینز بسنجند خیلی عالیه.

اون موقع استرس دارم یا نه؟ خیلی دارم چرا؟ چون دارم یه کار بزرگ انجام میدم با یه آدم که یکی از گرون قیمت ترین سخنران های دنیاست دارم سخنرانی می کنم چون کار بزرگیه اون موقع می ترسم آها پس این شد یه چشم انداز خوب دارم می ترسم.

اگه یه جوری باشه هدف که نترسیم که هنر نکردیم همین جور بازی کردیم رفتیم. پس هدف یه کوچولو باید ما رو بترسونه نه اون قدر هم بزرگ که اصلاً مطمئن باشیم که بهش نرسیم هیچ حسی نداشته باشیم.

مثلاً بزرگ ترین جمعی که صحبت کرده دو نفر بوده بعد کجا بوده یا لا تو جمع گفته بعد هدف سال آیندم میخوام با تونی رابینز برنامه بزارم خوب این اون قدر دور از ذهنه و غیر معقوله که عملاً، اصلاً استرس ایجاد نمی کنه چون می دونه نمی رسه باید بینابین حرکت بکنیم بعضی ها چرا میخندن حالا در زده گفته دیگه

هدف بدون برنامه ریزی خیالی نیست

هدف بدون برنامه ریزی خیالی نیست

و یه خیال درب و داغون ها این طوری...

هدف بدون برنامه ریزی خیالی نیست

وقتی هدف داریم برنامه نداشته باشیم تمومه! هیچ کار مهمی انگار انجام ندادیم

خوب حالا چیکار کنیم آقای بهرام پور زدی بدبختمون کردی فهمیدیم هدفمون اشتباه و فلان اینا همه این اشتباه ها رو خودم انجام دادم که دارم میگم یه جوری واسه من خاطرست اشتباهاتی بود که انجام دادم هدف های بیهوده ای گذاشتم که درست نبوده و خوب یاد گرفتم تغییر دادم!



خوب چطوری یه هدف مهندسی شده بسازیم؟

یک باید عاشقش باشیم درسته؟ و پاش واسیم

وایسیم نه پاش واسیم باید خیلی مردونه پاش واسیم پاش...

کسایی که نمیگن میارمشون اینجا یه سری تمرین های فن بیان انجام میدیم ها

پاش واسیم، پاش واسیم، پاش واسیم شما نگفتین...

وایسیم خیلی باید مثلاً اینجوری با کت و شلوار بایستیم ولی واسیم یعنی هر چی شد پاش واسیم دعوا شد باید پاش واسیم

میگه وایسیم بابا واسیم مرسی واقعاً باید واسین ها پاش!

توی تاکسی نشسته بودم یه راننده تاکسیه اومد پیچید جلو اون تاکسیه بعد راننده سرشو کرد بیرون گفت برای چی اینجا واسادی؟ بعد اینم اومد بیرون گفت واسادم و وای خواهم ساد

باید این جور یه پایه هدف... باز میگه وایسیم یه دقیقه پا میشید شما یه دقیقه پاشین واسین! رو به دوستان اینجوری یه ذره هم هیکل چیز اینجوری بگیر بگید واسین! بگید! به دوستان بگید پاش واسین محکم

پاش واسید: مرسی اگه وای نخواهید ساد پای هدفتون عملاً بازیه چون هدف قطعاً بها داره بدون هیچ تردیدی پس پاش واسید

دوم باید منطقی باشه همون طور که گفتیم الکی نباشه.

دوستان من یه هدف گذاشتم برا سال 95، نه 96 ام، می خوام اولین فضا نوردی که رفت رو کره ماه باشم! همیشه خوب رفته، نیل آرمسترانگ 40 سال پیش رفته این هدف منطقی نیست باید واقعاً یه چیز منطقی باشه یه چیز درست باشه اصولی باشه

توی یه کلاسی داشتم هدف های مالی رو می پرسیدم گفتم دوست دارید ماهانه چقدر درآمد داشته باشین 20 سال آینده یه خانمی برگشت گفت من ماهانه میخوام 100 میلیارد دلار درآمد داشته باشم داخل پرانتز باید به اون خانم بگم و گفتم البته که کل دارایی های بیل گیتس 70 میلیارد دلاره ایشون ماهی 100 میلیارد دلار می خواست من نمی دونم می دونید منطقی نیست، اشتباه عدد و رقمی نیست و ما ایرانی ها حساب و کتاب نمی کنیم. می دونید کی حساب و کتاب می کنیم؟ فقط وقتی می خوایم سود یکی رو حساب کنیم

الآن اگه این سمینار سه هزار تومن بود یه ضرب و تقسیم می کردیم که چقدر این کاسب شد و خوب واقعاً هفته پیش دوستان اذیت شدند چون ششصد پنجاه نفر بودند بعد قیمتای بلیطاً متفاوت بود هی ضرب و تقسیم می کردن اشتباه می شد، من اول سمینار خودم اومدم حساب کردم سود، سود جمعی همه رو گفتم که با آرامش به صحبت من گوش بدن.

این رو چرا اینا رو حساب کتاب می کنیم ولی هدفامون رو نه آیندهمون رو نه.

از این شایعه ها دیدید چقدر قشنگ پخش می کنی بدون هیچ فکری، هیچ منطقی پشتش نیست ولی راحت منتشرش می کنی چون اهل عدد و رقم نیستیم اهل محاسبه نیستیم.

یک فردی که جایگاه سیاسی خیلی بالایی داشت نمی تونم بگم کی بود کجا بود و اینا و من مشاور سخنرانیش بودم یه برهه ای و بعد از این اتفاق تلخ باهاش خداحافظی کردم، ببین چقدر بی سواد بود به لحاظ عددی و مهندسی بلد نبود لازم نیست مهندس باشیم ولی عدد و رقم باید بلد باشیم.

گفت: ببین آقای بهرام پور دوران فلانی خوب تورم مثلاً حالا هر چی بود قیمت یه قالب پنیر پونصد بود، گفتم تورم چقدره؟ 40 درصد، قالب پنیر شد هزار تومن، حالا الان آقا اعلام می کنه تورم شده 20 درصد خوب قالب پنیر باید بشه هفتصد پنجاه تومن دیگه بازم میشه هزار و دویست!

خیلی‌ها نمی‌دونن تو این جمع‌ها که این نرخ رشد تورمه یعنی تورم 1 درصد هم باشه رشد قیمت رو داریم رشد تورم کم بشه قیمتا کم نمی‌شه رشد قیمتا کم میشه.

اینا رو نمی‌دونیم بعد نظرای سیاسی میدیم درسته؟ سواد مهندسی نداریم حتی مهندسامون برخیشون ها نه که بگم لزوماً نقشه یا مدرکه و مورد بعدی مسیر علمیشو باید بدونیم مثل تارگت حساب کنیم چیه؟ چند نفر دوست دارند وقتی خواباند پول بیاد تو حسابشون؟

چند نفر دوست ندارند وقتی خوابند پول بیاد تو حسابشون؟ شما دوست ندارید؟

بعد من یه سؤال بزرگ برام پیش اومد بقیه چین؟ اونایی که نه تو هیچ کدوم از این دو تا گروه نبودند؟

خوب داشتن یک وبسایت سودده یک روش خیلی خوبه که شما حتی وقتی خوابین وقتی دارین سخنرانی می‌کنید واستون اس ام اس بیاد که این قدر پول به حسابت واریز شد خیلی هم لذتبخش و کیف میده و باز تو سمینار هفته پیش من اصلاً دقیقاً گفتم که چقدر میشه سود کرد چه عددهایی درسته واقعیه تجربه خودم چقدر بوده و اینا.

و خیلی جالبه یه عده دوست دارن فکر میکنن پاش واسادن منطقی هم هست ولی مسیر علمی رو پیش نمی‌گیرن که خوب من چی کار کنم این اتفاق بیفته چه علمی پشتشه چه علم‌هایی پشتشه اینا رو فراموش میکنن.

بنابراین این سه تا باید باشه و حالا هر کدوم رو یه کوچولو با هم بررسی بکنیم این میشه هدف مهندسی شده این تیکه که هر سه تا رو داشته باشیم اگه نداشته باشه تمومه این هدف اصلاً ارزشی نداره مثلاً اینجا فقط میشه بازیچه اینجا میشه یه چیز خسته‌کننده اینجا میشه یه دانشی که به عمل نمی‌رسه.

شما که نمی‌بینند می‌بازید دیگه باید مرحله بعدی دوباره از اول شروع کنید فیلمشو تو سایت می‌زارم اسلایدها رو هم احتمالاً تو سایت قرار بدم.

خوب عاشقش باشیم پاش واسیم، پاش واسیم.

اینا کین که باز میگن وایسیم بابا شما اینجا چیکار داری اون موقع من یه مقدار کتوشلوار تنم بود خیلی چیز بودم جایی بودم نمی تونستم بنویسم واسیم. پاش واسیم مرسی

راجع به این مفصل صحبت کردیم ولی یه چیزی رو یادمون باشه وقتی میگی پاش واسیم یعنی چی؟

یعنی بهاشو بدیم دوستان موفقیت بها داره عین فیلما نیست به محض این که شروع می کنید برای رسیدن به هر چیزی تلاش کنید همه حالتون می گیرن اساسی

جلوتر راجع بهش صحبت می کنیم وقتی که می خواید ثروتمند شید باید از یک سری چیزا بزنید.

خوب من خیلی رفتار خریدارا رو نگاه می کنم تو جاهای مختلف، تو سمینار، تو نمایشگاه کتاب مردم می خوان یه محصولی رو بخرند چه جوری نگاه میکنند اون کتابو بی زحمت میدین یه کتاب هست از تو پلاستیکم فقط کتاب رو بدید، ببینید اینجوری نگاه می کنه کتابو نگاه می کنه خوشش میاد دست تو جیبه خوب یکی! دومی هم به احتمال نود درصد تو جیبه بعد یه نگاه می ندازه اگه خیلی موضوعش خوب بود یکی از دستا رو لطف میکنه در میاره بعد اینجوری ور میداره یه نگاه میکنه یه خرده اینجا اگه قیمت پشتش نوشته باشه که تصمیم می گیره بزاره سر جاش یا نه یعنی قیمته مهمه.

بعد، خدا کنه کتاب کوچیک باشه یه دستی بشه مطالعه کرد چون نشه میزازه رو بقیه کتابا این دسته هنوز تو جیبه بعد یه نگاه میندازه اگه اون قیمتو داخل نگاه میکنه اگه زیاد بود باز دوباره میزارن

همه نه ها، خیلی ها بعد فهرست مطالب و اینا، قیافه این طوری اینا که نمی بینند... یه نگاه داره میندازه و بعد چقدر حساب کتاب میکنه این کتاب بیست هزار تومنه بخرم نخرم، بخونم نخونم بعضی ها میگن صفحه ای چند می افته؟ تجربیات شخصیتون رو اعلام نکنید.

بخرم نخرم، فلان این قدر حساب کتاب میکنه آخر سر نمی خره، میره فست فود سفارش میده بعد آخر سر کارت رو که میده میکشه رو قبضش نگاه میکنه چقدر شده قبول دارین این طوریه؟

یه عده پول ندارن جداها ولی یه عده دارن ولی سر این چیزا دو دو تا چهارتا می کنند جانشون در میره سر خیلی چیزای دیگه نه مثلاً یه کتاب ممکنه واقعاً زندگیتون رو عوض بکنه ولی دستمون می لرزه فست فود چی؟ هشت ساعت بعد خارج میشه از بدن و جز بیماری هیچی نداره ولی خیلی راحت این کار رو می کنیم.

می بینید مدل ذهنی مشکل داره سر خریدن کتاب دو دو تا چهارتا می کنیم بعد حاضر نیستیم بهاش رو پردازیم که یه شب فست فود نخوریم کتاب بخریم، من لذت بردم تو این چند روزی که مشاوره می کردم یک آقای طلبه ای رو دیدم با یه موبایل درب و داغون با خودم گفتم این موبایله مثلاً وجود داره هنوز یعنی مثلاً تنها آپشنی که داشت از این چرخونکی ها نبود تلفن قدیمی ها بودند یعنی فقط اون طوری نبود و من گفتم خدایا آخه این موبایل چیه؟ بعد برام توضیح داد گفت آقای بهرام پور من مثلاً درآمد این قدره شرایطم... یه شرایط واقعاً وحشتناک موبایلم رو فروختم پکیج سخنرانیتون رو خریدم چند نفرمون خدایی حاضریم این کار و بکنیم؟

موبایلا رو بیارید بیرون کارت خون رو بیارید لطفاً

خیلی خوب زنده باشید تشویق کنید این دوستان رو

بهای موفقیت فقط پول نیست یه روز مهمونی نرفتنه، یه روز نه گفتن به یک سفره یه روز نه گفتن به انتقادات بقیه است فقط پول نیست ها یه مثالش یه نمونش پوله.

پس یادمون باشه بهای رسیدن به هدف هم پردازیم هر هدفی یک بهایی داره.

پس اگر عاشقش باشیم و پاش واسیم احتمالاً به اون هدف می رسیم چی احتمالاً به هدف می رسیم.



آقای مالکم گلاذول یه کتابی داره به اسم outliers یا تافته‌های جدا بافته ترجمه فارسی هم شده ولی یه خرده سخت پیدا میشه، خیلی آدم باحالی اینجوری نگاش نکنید! چون همه می‌گن اینه بابا خوب بذار بگم تو کتابش چیه؟

اومده بررسی کرده امثال استیو جابز، بیل گیتس، استیو بالمر اینا چه جوری این قدر موفق شدن از بچگی بررسی کرده دیده تقریباً همه آدمای موفق ده هزار ساعت تمرین کردند رو کارشون ده هزار ساعت! و بررسی کرده دیده هیچ‌کسی، یه استعداد حداقلی می‌خواد حداقلی‌ها و بعد ده هزار ساعت تمرین کی می‌تونه ادعا کنه ده هزار ساعت تمرین کرده تمرین درست: تو چه زمینه‌ای؟
مطالعه خیلی عالییه اگه مطالعه مشهود بود میتونستین بگید زنده باشید.

ده هزار ساعت عدد خیلی بزرگیه سریع ضرب و تقسیم می‌کنیم همیشه روزی چند ساعت به مدت ده سال همیشه روزی دو ساعت ده سال تمرین درست و شما میشید جزو برترین آدم‌ها در دنیا نه در ایران، در ایران به نظر من با هزار ساعت تمرین درست تقریباً تو هر جایگاهی میشه موفق شد.

به جز جایگاه تخصصی مثل پزشکی و اینا من تخصص ندارم.

میگه ده هزار ساعت تمرین کنید و موفق شین خیلی‌ها حاضر نیستند ده هزار ساعت تمرین کنند خیلی‌ها حاضر نیستند بایستند دو ساعت اینجا رفتند مثل شما نیستند و خودتون رو تشویق کنید لطفاً

دومی نکته‌ای بود که هدفمون منطقی باشه دیگه بعضی‌ها واقعاً این شکلی‌اند درسته؟

یکی گفت این که خوبه که! بسیار نگران اون دوست هستم!

پس باید منطقی هم باشه و تو منطقی بودن یه چیزی رو یادمون نره اینکه کی گفته دیگران وقتی ما یه تصمیمی می‌گیریم باید حامی ما باشند کی گفته؟

این قدر من ایمیل می گیریم آقای بهرام پور من از وقتی تصمیم گرفتم موفق شوم تعداد زیادی علیه من شورش کردند خانواده مرا کتک می زند دوستانم مرا مسخره می کنند فلان اینا بنابراین من نمی توانم موفق شوم.

من سؤالم اینه کدوم آدم بزرگی یه کاری کرده و مسخرش نکردند، توقع داریم همه باهامون همراه باشند مثلاً می خوایم بریم یه کار بزرگی انجام بدیم یه شرکتی یه ایده ای کسب و کاری هر چیزی بعد میگه خب چی شد مثلاً شش ماه پیش خیلی انگیزه داشتی والا نشد دیگه، گفتم چرا؟ خیلی سر این گرفتن مجوزها اینا در دسر داشت.

توقع داره همه آماده خدمت گذاری باشند خوب نمی رسه به هدفش

باید حاضر باشیم به خاطر این که وقتی تصمیمی می گیریم تغییر کنیم بقیه سنگ اندازی می کنند، به دو دلیل یک یه عده دوستمون دارند فکر می کنند ما داریم اشتباه می کنیم از سر دلسوزی

نکن وایسا اشتباه نکن وقت تو نزار این کارا جواب نمیده آخه کی تونسته که تو بخوای بتونی و از این حرفا

این گروه خیلی خوبن مرسی که به فکرمان! هرچند اشتباه مثلاً پدر مادرا خیلیاشون تو این دسته قرار میگیرن و خیلیاشون هم خیر

دسته دوم کسانی اند که وقتی می بینند دارید موفق میشید تازه شروع می کنند سنگ اندازی چرا؟

چون اگه شما موفق شید اونا در خطرند و حاضر نیستند بهای موفقیتو بپردازند بیشتر تلاش کنند بیان بالا خودشون پایین شمارم میکشن پایین یا شما رو میخوان بکشن پایین.

ولی شما باید واسید پس یه چیز طبیعیه یه مورد دیگه وقتی اینو یاد می گیرید (چقدر دیگه وقت دارم تموم شد وقتم باید نه پنج دقیقه، مام واسادیم)

یک نمودار رشد داریم در گذر زمان وقتی یه کاری رو شروع می کنیم

مثلاً یاد می گیریم مثلاً کتاب جذب می خونیم به اتفاق مثلاً باحالی رخ میده به اولش به ذره رشد می کنیم ذوق زده به همه بین قانون جذب این طوره تو باید موفق شی می تونی خوشحال! عالی ها یعنی اصلاً حرف نداره.

بعد به مرتبه می بینیم گند می خوره به زندگیمون از قبل هم بدتر شدیم به کتاب موفقیت خوندم فلانی مرد، بابام ورشکست شد، خودم زندانم، بعد به ذره تلاش میکنه نه من دووم میارم ای بابا.

این اصلاً به چیز طبیعی شما به محضی که شروع می کنید به تغییر همه چیز علیه شما میشه همه چیز نه ولی خیلی چیزا

و اکثر آدمای اینجا کنار میکشن اکثر آدمای تموم

اما قسمت دوم از اینجا یعنی اکثر آدمای اینجا تموم می کنند ها اکثر آدمای عده ای اصرار می کنند و به ذره بهتر میشند بعد با کله میخورن زمین حالا اینجا شاید پاشن باز می بینید حتی نرسیدن به مرحله اول، ولی داره تلاش میکنه باز تلاش میکنه این مسیر موفقیت هر آدمیه که دائماً شکسته رو میخوره و بعد می بینیم مسیر موفقیت صاف نیست شما هی رشد می کنید میاید پایین رشد می کنی میای پایین دلیل علمی داره که چرا این اتفاق میافته فرصت نمی کنیم راجع بهش صحبت کنیم.

ولی بعد از به مدت میافته رو غلتک باز صاف نیست ها ولی رنده خیلی زیاده پس این ممکنه به زمانی طول بکشه معمولاً تو هر کاری اگر مداومت زیادی داشته باشیم شش ماهه ولی کم اند. آدمایی که شش ماه پاش واسن خیلی کم اند.

نوکر جمع ام اساسی ها، جانم

یکی از حضار: استاد ببخشید در مورد خرید کتاب فرمودید کدوم یکی از پدر مادرا بچه هاشون رو تشویق می کنند که کتاب بخوندند من یک چیزی دیدم در کشور خارجی سرتاسر تو صف روزنامه البته من توالش دیدم مشغول مطالعه هستند و ما هم مشغول بازی با موبایل مون هستیم

محمد پیام بهرام پور: زنده باشید

یکی از حضار: چطور انتظار دارید این کشور پیشرفت کنه وقتی سردمداران ما تشویق نمی کنند کتاب خوندن رو وقتی کتاب قیمتش بیشتر از همه چیز دیگه میشه من میخوام خواهش کنم از پدر و مادرانی که اینجا هستند کدومشون بچه هاشون رو وادار می کنند یه زور درسای تحصیلیشون رو بخوندن ما اگر می خوایم پیشرفت کنیم باید مطالعه کنیم باید پدر مادرا بچه هاشون رو وادار کنند و اولیا امور هم تسهیلاتی در این رابطه قرار بدن.

محمد پیام بهرام پور: کاملاً حرف شما درسته ولی ما فقط خودمونیم نه مسئولین کشوری وقت دارند جمعه شون بزارن مثل شما بزرگواران اینجا نه ما می تونیم والدین رو عوض بکنیم، ما باید خودمون رو عوض کنیم ما باید این قدر کتاب بخونیم همون طور که می دونم شما بزرگوار این کارو می کنید و خیلی های دیگه که بقیه ببینید این با کتاب خوندن رشد کرده ها و تغییر کنیم.

کاملاً حرف شما درسته خیلی مشکلات داریم، البته کتاب خیلی هم تو ایران گرون نیست مقایسه کنید با قیمتای دلاری کتابا یه خرده تخصصی ولی ممکنه باشه اصلاً بحثی رو این نداریم.

و این هنر ماست یه کاری کنیم بدون اینکه مستقیم به کسی بگیم اون شخص جذب اون مسیر بشه موفقیتیه رو دوست داشته باشه و با ما همراه بشه.

خوب این جمله رو من خیلی دوست دارم وقتی خسته شدم نمی ایستم وقتی تمام شد وامیستم، وقتی خسته شدیم که نباید بایستیم که وقتی که کار تموم شد باید بایستیم ولی اکثر ما همون قسمت اول کار رو تموم می کنیم

یکی از حضار: البته اگه عاشق هدفمون باشیم خسته نمی شم...

محمد پیام بهرام پور: یه موقعه هایی چرا ببینید شما عاشق یک آدمی مثلاً فرض کنید هستید چرا هووم میگرد عیب نداره که، تو مسیر رسیدن به اون آدم یه عالمه ممکنه مانع باشه اونا که ما رو خسته می کنند درسته؟ خود مسیر نه ولی باید بری صحبت کنی با این با اون قوانین، دانشگاه، سربازی اینا ممکنه ما رو خسته کنند ولی هرچقدر این عشقه بیشتر باشه خستگی همون طور که شما میگرد کمتره

اما بیا! یادگیری صحیح

یک: اصول یادگیری رو بدونیم که دوستان مفصل صحبت کردند

به نظر من همه باید تندخوانی رو بلد باشند کاری که تخصص آقای سعید محمدی عزیزه

چرا؟ چون سریع تر کتاب بخونیم، خسته نشیم موقع کتاب خوندن، انرژی بیشتری داشته باشیم

اشتباه هامون رو تکرار نکنیم آقا فلان کار رو کردیم تمام من یکبار اجازه خطا باید داشته باشم بیش از یکبار تقصیر منه فقط یکبار اجازه خطا داریم، تو یک موضوع تکراری ها و گرنه بارها میشه خطا کرد ولی معمولاً مثلاً چند نفر دفترچه ای دارند که اشتباه هاشون رو بنویسند دو نفر سه نفر چهار نفر جو گرفت پنج نفر شش نفر، کمیم چرا باید از جمع مثلاً حدود 200 نفره اینجا ده نفر، جو گرفته بیست نفر اشتباهشون رو بنویسند و کم باشند.

یکی از حضار: ما رو نکته های خوب تمرکز می کنیم: بله!

محمد پیام بهرام پور: رو نکته های خوب تمرکز می کنند؟ خیلی خوبه ها ولی اگه میخوانین پاش واسین باید از اون بدا هم ایده بگیرید

یکی از حضار: بقیه اشتباه نمی کنن.

محمد پیام بهرام پور: جان! بقیه اشتباه نمی کنن! خیلی ارادت داریم خدمت بقیه

مورد بعدی باز خورد مداومه چقدر باز خورد دائماً می گیریم دائماً فیدبک می گیریم، همسرم من درسته کارم اشتباه نمی کنم پدرم، مادرم، استادم، معلمم، دوستم، همکارم، خیلی از ما نه به یه موفقیت که می رسیم دیگه رها می کنیم

و مورد بعدی برترین های کشورمون و دنیا رو باید بررسی کنیم که چیکار کردند درست! درست بررسی کنیم کتاب زندگینامه استیو جابز و میخونه تنها نکته ای که یاد گرفته می دونید چیه؟

استیو جابز 8 سال ماشینشو پلاک نکرد با اینکه جریمه می شد مرد به این میگن...واساد، بعد بقیش چی دوستان...اصلاً من اینجوری باید برم خونه...می بینید یعنی بدترین چیزا رو برمی داریم

کتاب حکایت دولت و فرزاندگی رو یکی از دوستان من که با این کتاب متحول شده بود داد به برادرش گفت داداش اینو بخون بعد خوبه فلان موفق میشی خوشبخت میشی داداشه هم مثلاً اهل کتاب خوندن نبود خوند کتابو خلاصه با کلی داستان بعد گفت خب داداش

نتیجه ای که گرفتی چی بود؟ فهمیدم که بدون بیست هزار دلار نمی شه شروع کرد

بینید چقدر هوشمندانه بررسی می کنیم ماها هممون از این مدلا داریم تو خودمون ها منتها نمی فهمیم برامون عادیه بقیه می خندند این قدر ضایع و واضح نیست.

پس اینم میشه بحث یادگیری صحیح و من ابتدای صحبتیم اینو گفتم عاشق این جمله ام: امروز کارهایی رو انجام میدم که دیگران دوست ندارند انجام بدنند تا فردا کارهایی رو بتونم انجام بدم که دیگران نمی تونند انجام بدنند! چون حاضر نیستند بهای اون کارای اولیه رو بپردازند.

اینو من همیشه همه جا دارم بک گراند کامپیوترم هست موبایلم حتی یه موقعی دعوت میشم سخنرانی یه شهر دیگه ای هیچیم ندارم یه کاغذ زنگ می زنه هتل بیاره می نویسم با چسب می چسبونم به دیوار هتل که جلو چشمم باشه همیشه و این رو ببینم و هر لحظه که می بینید دارید میاید پایین دارید انگیزه رو می زارید کنار این جمله یه حس خیلی خوب بهتون میده جمله خودتون رو پیدا کنید شاید این جمله حس خوب بهتون نده ولی به من خیلی حس خوبی میده

یکی از حضار: جملات کلمات منفی داره نباید داشته باشه

محمد پیام بهرام پور: نداشته باشه، چشم

یکی از حضار: ببخشید متولد چه سالی هستید؟

محمد پیام بهرام پور: سن خانم‌ها رو نمی‌پرسم، نمی‌گم دلیل داره

یکی از حضار: بعداً

محمد پیام بهرام پور: نه نمی‌گم و پاشم وای خواهم ساد، سؤال فنی بود ها رو سالن سخنران رو فلج می‌کنند شما! می‌خوام ادامه تحصیل بدم خوبه اینجوری جواب بدم، جان! چرا باید بگم؟ می‌گه آقای بهرام پور بگید که توی این هفته ان تومن اومد تو حسابتون چه دلیلی داره؟ پسر عموم هم پمپ بنزین داره باید بگم.

این یه دوره رایگانی در نظر گرفتیم تو وبسایت تقریباً همه ما داریم آقای محمدی، آقای حافظی نژاد عزیز دوره‌های رایگانی تو وب سایتشون دارند مطالب آموزشی میدن وبسایت منم هست می‌تونید شرکت بکنید دو ساعت مطالب آموزشی رایگان راجع به سخنرانی و فن بیان هست اگر دوست داشتین کاملاً رایگانه می‌تونید شرکت بکنید و این هم ایمیل من هست می‌تونید سوالاتتون رو بپرسید تو شبکه‌های اجتماعی و اینا هم هستیم و اما یه مسابقه کوچولو هم داشته باشیم تموم شد.

آآ محمد جان روی اون سفیده کلیک کن رو نردبونه بعد دکمه بالا پلی رو بزنی نه نه دکمه چیز نداره مرسی این عکسم من خیلی دوست دارم این که چقدر امکانات داریم ولی بد ازش استفاده می‌کنیم

یکی از حضار: دیروز برای من تو اینستاگرام اومد...

محمد پیام بهرام پور: تو اینستاگرامتون اومد چقدر خوشحالم که امروز میاد و تکرار میشه

ببینید خیلی از ما متخصص اینیم که غر بزنییم به شرایط اقتصادی ولی خبر نداریم که خیلی ها خارج از ایران لهه لهه میزنند برای ایران و شرایط اقتصادیش، من هرچقدر جلوتر میرم هی دارم به این حرفم مطمئن تر میشم که ایران بهشت پول درآوردنه بهشته ولی چون بلد نیستیم غر میزنیم مملکت ما فلانہ اینجا فلانہ.

به خاطر این که بقیه تنبل اند بهشته ها وگرنه مشکلات زیاده بقیه تنبل اند و می تونید این رو تست بکنید یک کارایی رو انجام بدید که بقیه انجام نمیدند و اما جمله پایانی اینو لطفاً هر کی تکمیل کنه من یک پکیج اهمال کاری رو بهش هدیه میدم لطف می کنید اینو

یه پکیج اهمال کاریه یکی از بهترین دوره های آموزشی من هستش که طراحی کردم و میخوام اینو هدیه بدم

خیلی جالب بود امروز یه اومد گفت آقای بهرام پور این دورتون مزخرف بود بعدش یه نفر اومد گفت ببخشید کی بود که گفت، (گفت رتبه 900 کنکور شد) گفت من با همین رتبه 900 کنکور و گرفتم

یاد گرفتم تنبلی نکنم

هر مسیری که برید یه عده هستند که بهتون انتقاد می کنند و جالبه بدونید به جرئت میگم توی دنیا راجع به اهمال کاری و مدیریتش نیست ها ولی یه عده باز اعتراض دارند هیچ مشکلی هم نداره

باید ببینم این چند هزارنفری که استفاده کردن چطورن که اکثر راضین

حالا مسابقه اینه اینو تکمیل کنید

اهمال کاری بهترین راه برای ...

وانستادن مرسی تشویقشون کنید این هدیه خدمت شما البته این فقط قاب پکیج بود و سی دی شو بیرون می تونید تهیه کنید فکر کردین چی و یادتون باشه از این سمینار که میرید بیرون چه چیزی در شما زیاد شده؟ نه، نه، خیر، خیر



اون انرژی اینا ممکنه میخواین حالتون رو بگیرم یکی هم اون وسطا داره فحش میده به من قاطی سروصداها

یکی از حضار: ما واسادیم

محمد پیام بهرام پور: واسادین مرسی ولی در آخر این برنامه یه چیزی در ما زیاد میشه ببخشید که اینو میگم فقط یه چیز ادعایمون فقط همین هیچ تغییری ما نکردیم.

تغییر کی مشخص میشه وقتی امشب باینکه خسته ایم و میگیم فردا روز کاریه فلان بشینیم برنامه ریزی کنیم اونچه که امروز یاد گرفتیم رو انجام بدیم، در غیر این صورت فقط ادعایمون زیاد شده و نه هیچ دیگری ازتون خواهش می کنم همین الان فکر بکنید که من کی میخوام این چیزا رو پیاده سازی بکنم از شنبه نه از امروز چون شنبه ها هیچ وقت فرا نمی رسه.

شنبه ای که می خواستیم رژیم بگیریم...

شنبه ای که می خواستیم بریم باشگاه...

شنبه ای که می خواستیم بریم کلاس زبان...

از شنبه ای که می خواستیم درس بخونیم و چیزای دیگه...

بنابراین لطفاً از همین الان راجع به این موضوع فکر بکنید و بیایید یه کاری بکنیم دنیامون یه جای قشنگ تر برای زندگی کردن بشه مرسی و جمع فوق العاده بانشاطی بودین امیدوارم همیشه شاد و خندون باشین.

سپاسگزارم مرسی مرسوم.

